

نگاه **معمومه رضایی**: تاریخ‌پژوه

عکس‌العمل جریان‌های سیاسی مذهبی، در همراهی با نهضت اسلامی علیه کاپیتولاسیون

## ۳واکنش به یک اعتراض بزرگ

رژیم پهلوی که از ترس مخالفان، از هنگام تصویب لایحه کاپیتولاسیون، تلاش خود را جهت بی‌خبر نگاه داشتن مردم از آن به‌کار گرفته بود، از انتشار مذاکرات مجلس شورای ملی و چاپ در روزنامه رسمی، خودداری ورزید. اما امام خمینی (ره) برای اطلاع دقیق‌از لایحه، چند نفر را مأمور کردند تا جزئیات موضوع را به‌دست آورند. یکی از این افراد حجت‌الاسلام اکبر هاشمی‌فرسنجانی بود که متن لایحه و اسناد مربوطه را از طریق سیدجعفر بهبهانی تهیه کرد و نزد امام آورد. شهید حجت‌الاسلام فضل الله محلاتی نیز از طریق یکی از کارمندان مجلس، متن مذاکرات مجلس پیرامون لایحه را تهیه و خدمت رهبر نهضت اسلامی برد. پس از اینکه حضرت امام(ره) از موضوع کاملاً آگاهی یافتند، مراجع قم را برای یک‌گردمایی فراخواندند. در جلسه مشورتی قرار شد تا مراجع در روز تولد حضرت زهر(س) که مطابق با چهارم آبان بود، علیه لایحه کاپیتولاسیون سخنرانی کنند. به‌علاوه حضرت امام نمایندگانی به شهرستان‌ها فرستادند تا علمای بلاد را از موضوع آگاه کنند تا یک موضع یکپارچه علیه لایحه اتخاذ شود.

رژیم ششاه که از افساسگری‌های امام خمینی (ره) می‌هراسید، نماینده‌های به شهرستان قم اعزام کرد و این پیام را برای امام فرستاد: «آیت‌الله خمینی اگر بنا داند نطقی ایراد کنند، باید خیلی مواظب باشند که به دولت آمریکا برخوردی نداشته باشد که خیلی خطرناک است و با عکس‌العمل تند و شدید آنان مواجه خواهد شد، دیگر هر چه بگویند، حتی حمله به شاه چندان مهم نیست!».(۱) اما امام در نطقی در ۴آبان ۱۳۴۳ ش در قم، با به «نائله‌النالیاه راجعون» آغاز کرد، تصویب قانون کاپیتولاسیون به‌وسیله نمایندگان مجلس را افشا و محکوم کردند. ایشان علاوه بر این سخنرانی، اعلامیه‌ای منتشر و بار دیگر به افشای خیانت شاه، دولت و مجلس پرداختند و کاپیتولاسیون را «سند بردگی ملت ایران»، «قرار به مستعمره بودن ایران» و «تنگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب‌نامه غلط دولت‌های بی‌حیثیت» نامیدند.(۲) بی‌تردید استوارترین موضع‌گیری درباره حفظ منافع ملی ایران در آن دوره تاریخی را، امام خمینی (ره) اتخاذ کردند. ایشان بدون توجه به رقابت‌های جناحی احزاب دولتی در آن دوره، موضعی اتخاذ کردند که دقیقاً منطبق بر مصلحت ملی ایران بود. به همین دلیل نیز نیروهای سیاسی مذهبی در شهرهای مختلف، تحت‌تأثیر نطق تاریخی ایشان در مخالفت با لایحه یادشده برخاستند.

افشای تصویب قانون کاپیتولاسیون به وسیله امام خمینی (ره)، موجی از خشم و ناراضیاتی را در میان شهرهای مختلف مردم برانگیخت و اخبار مندرج در سخنرانی و اعلامیه ایشان، در سراسر کشور پخش شد و تعدادی از روحانیان، به سخنرانی علیه دولت و لایحه مصونیت مستشاران آمریکایی مبادرت کردند. اداره دوم عملیات ایمنی، در گزارش خود از دریافت اطلاعاتی از سوی دفتر ویژه اطلاعات، در تاریخ ۵آبان ۱۳۴۳خبر داده است، مبنی بر اینکه طبقات مختلف مردم کشور، از تصویب لایحه ایران‌نگرانی و ناراحتی کردند.(۳)



**فروردین ۱۳۴۳**، **قم**، **امام خمینی (ره)** پس از آزادی از حبس و حصر

**بی‌تردید استوارترین موضع‌گیری درباره حفظ منافع ملی ایران در آن دوره تاریخی را، امام خمینی(ره) اتخاذ کردند. ایشان بدون توجه به رقابت‌های جناحی احزاب دولتی در آن دوره، موضعی اتخاذ کردند که دقیقاً منطبق بر مصلحت ملی ایران بود. به همین دلیل نیز نیروهای سیاسی مذهبی در شهرهای مختلف، تحت‌تأثیر نطق تاریخی ایشان در مخالفت با لایحه یادشده برخاستند که در**

**اسناد ساواک بازتاب یافته است**

در مجموع، در زمینه مبارزه علیه لایحه کاپیتولاسیون می‌توان گفت که به‌دنبال نطق تاریخی امام (ره) ۳گروه سیاسی – اجتماعی واکنش نشان دادند: نخست روحانیت به رهبری ایشان که با صدور اعلامیه‌هایی در جایگاه رهبران و پیشگامان مبارزه، موج اولیه اعتراض را به حرکت درآوردند. زیرا در پی این موج بود که در گام بعدی، علمای بنام، مجتهدان، رؤسا و فضایی حوزه‌های علمیه شهرستان‌ها، از قبیل آیت‌الله سیدعلی بهبهانی (اهواز)، آیت‌الله آخوند ملاحی همدانی (همدان)، آیت‌الله محمد صدوقی (زاهد)، آیت‌الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی (تبریز)، آیت‌الله احمد آشتیانی و آیت‌الله شیخ عبدالله مسیح تهرانی (تهران) و… به همراهی با مرجعیت سیاسی و فراجوان عمومی نهضت اقدام کردند. گروه بعدی، جمعی از بازاریان، دانشگاهیان و تشکل‌های مذهبی و صنفی بودند، که با صدور اعلامیه‌هایی به فراخوان یادشده پاسخ دادند. آخرین لایه از نیروهای مؤثر در جریان اعتراض به کاپیتولاسیون که می‌توان آنها را اقاعده این‌مثل تلقی کرد، توده‌های مؤمن مذهبی بودند که در مساجد، حسینیه‌ها، مدارس دینی، تکیه‌ها و هیئت‌ها، انجمن‌های مذهبی، قهوه‌خانه‌ها و سایر مجامع عمومی، تشکیل می‌شدند و اطلاع آنان از کم و کیف مبارزه، آن را در سطح جامعه بازتاب می‌داد. شاید بتوان ترور حسنعلی منصور– نخست‌وزیر وقت –را، که در کمتر از ۲ماه پس از تصویب کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی(ره) رخ داد، از یک‌سو می‌توان واکنش بعضی از این لایه‌ها و از سوی دیگر در فضای موج‌های سهمگین و مستمر حاصل از فعالیت و مبارزات لایه‌های یادشده تحلیل کرد. در کل مخالف‌های امام و گرد هم آمدن طرف‌داران ایشان در راه مبارزه با کاپیتولاسیون نشان داد که امام رهبری مقاومت علیه سیاست‌های غرب‌گرایانه و غیراسلامی را به‌دست گرفته است، در نتیجه رژیم که از این حوادث سخت احساس خطر کرده بود، به ریشمان تبعید به خارج از کشور، در جهت اقلیت نداشتن میان مخالف جدی خود و حامیان ایشان چنگ زد.



# به جرم دفاع از استقلال وطنم تبعید می‌شوم!

واکاوی چرایی و چگونگی موضع‌گیری امام خمینی <sup>(ره)</sup> علیه کاپیتولاسیون

### گزارش **الهام دانایی سرشت** روزنامهنگار

وقتی در ساعت ۵صبح روز چهارشنبه ۱۲خ آبان سال ۱۳۴۳، امام خمینی (ره) با یک فرزند هواپیمای سی + ۱۳هر کولس آمریکایی، از فرودگاه مهر آباد تهران به سوی ترکبه تبعید می‌شدند، سر هنگ امیر افسلی، رئیس بخش امور اجتماعی ساواک که ایشان را همراهی می‌کرد، در گزارش از سالی خود، اظهارنظری را از قسول امام نقل کرد که در تاریخ ماندگار شد. امام در هواپیما فرمودند: «من به جرم دفاع از حیثیت ارتش و استقلال وطنم تبعید می‌شوم.»(۱) اکنون و در این نوشتار درصدمد واکاوی این نکته هستیم که به‌راستی در آن مقطع چه حادثه‌ای رخ داده بود که «حیثیت ارتش» و «استقلال وطن» را نشان‌ده رفته بود. تا امام از آن دفاع کنند؟

**نگاهی به روند کاپیتولاسیون در ایران**

اگرچه ریشه امتیاز اعطای حق قضاوت کنسولی یا «کاپیتولاسیون»، به دوران مغولان در ایران برمی‌گردد اما آغاز رسمی آن را می‌توان در اوایل قاجار به و با شکست ایران در جنگ با روس و تحمیل معاهده ترکمانچسای در سال ۱۸۲۸م/ ۱۲۰۳ش دانست. زیرا فصولی از این عهدنامه، مشخصاً با این مهم اختصاص یافت. کاپیتولاسیون اصل حاکمیت و استقلال کشور را متزلزل می‌ساخت، به قوانین خارجی اعتبار برون‌مرز داد و به اتیاع بیگانه در ایران، جسارت رفتار خلاف عرف و شرع اسلام می‌داد و به همین دلیل، مردم ایران نسبت به آن عکس‌العمل‌های شدیدی از خود نشان می‌دادند. اما با پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه و لغو برخی امتیازاتی که در زمان تزارها از ایران اخذ شده بود و همچنین با توجه به وقایع مهمی مثل تأسیس جامعه ملل، لغو کاپیتولاسیون در برخی از کشورها و… کاپیتولاسیون خارجیان، در نهم مرداد ۱۲۹۷ در اتیاع بیگانه در ایران، مصمام السلطنه رسماً لغو شده و این لکه ننگ از پیشانی تاریخ کشورمان پاک شده بود.(۲) در سال ۱۳۰۰ش نیز کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی بر این لغو تأکید دوباره نهاد و در ۳۰ اردیبهشت سال ۱۳۰۷ پیرو دستور تشریفاتی و تبلیغاتی رضاخان، در کابینه مخیرالسلطنه هدایت نیز لغو نهایی آن به تصویب رسید.(۳)

در آن زمان رضاخان در پوشش «نوسازی در دادگستری»، به پیگیری هدف اصلی خود یعنی زدودن نفوذ سنتی روحانیون در نظام قضایی کشور همت گماشته بود و برای جلوگیری از عکس‌العمل آنان، موضوع کاپیتولاسیون را نیز در این «نوسازی» گنجانده(۴) و سپس بر طبل این الغاء کوبید و برای آن چند هزارنوزده جشن گرفت. استغاثی کرونین در کتاب خود، در خصوص هدف و بهره رضاخان از این موضوع می‌گوید: «الغای کاپیتولاسیون را باید در چارچوب تلاش‌های کلی رضاشاه برای تثبیت قدرت شخصی خود بر سراسر ایران، از طریق نابودی کلیه منابع مستقل قدرت مشاهده کرد.» رضاشاه از حربه لغو کاپیتولاسیون، به‌عنوان وسیله‌ای برای کسب حمایت خارجی برای هدف‌های داخلی خوداستفاده کرد.»(۵)

**احیای دوباره کاپیتولاسیون**

پس از پایان جنگ جهانی دوم، نفوذ ایالات‌متحده آمریکا در ایران، نسبت به ۲کشور روس و انگلیس بیشتر شد. کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ به این کشور فرصت داد تا نفوذ خود را هر چه بیشتر در ایران افزایش دهد. از سال‌های ۱۳۲۱ش، این کشور شروع به اعزام مستشاران نظامی خود به ایران کرد، تا حدی که در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق، تعدادشان به چندهزار نفر رسید. این مستشاران، وظیفه سازماندهی ارتش ایران را برعهده داشتند. قرار دادی

که در ۱۳۲۲ش و در دوره نخست‌وزیری سهیلی میان ایران و آمریکا منعقد شد و متعاقب آن، مستشاران نظامی، مالی، بهداشتی، کشاورزی و نفتی این کشور به ایران آمدند، باعث شد تا آمریکا با برخورداری از امتیاز معافیت‌های مالی و کاپیتولاسیون، در روندی سلطه‌جویانه از مناسبات رو به تزایدی بهره‌ببرد. این مناسبات یک‌سویه در سال‌های اولیه دهه ۱۳۲۰، چنان سرعت گرفت که والاتس موری، وزیر مختار آمریکا، در تلگرافی به وزارت خارجه آمریکا نوشت: «ما به‌زودی در وضعیتی قرار خواهیم گرفت که عملاًایران اداره خواهیم کرد.»(۶)

انعقاد قرارداد نفت در ۲۳ش/ ۴فروردین ۱۹۵۴م، تشکیل ساواک در ۱۳۳۵ش/ ۹۵۶م، انعقاد قرارداد نظامی در ۱۳۳۷ش/ ۹۵۸م – که براساس آن ارتش شاه تحت‌فرمان مستشاران آمریکایی قرار می‌گرفت – همچنین انعقاد قراردادهای دوجانبه در اسفند ۱۳۳۷ش که ۵ماه پس از آن دولت آمریکا مسئله وضعیت حقوقی نیروهای خود در ایران را با مقامات ایران در میان گذاشت و سرانجام اصلاحات ارضی، زمینه‌های لازم برای طرح مجدد کاپیتولاسیون از سوی این کشور را فراهم آورد. لایحه کاپیتولاسیون پس از برگزاری فراندوم فرمایشی و استبدادی «انقلاب سفید» و همچنین تصویب لایحه موسوم به «چین‌های ایالتی و ولایتی»، که هسر دو با موضع‌گیری امام خمینی (ره) روبه‌رو شد، در مجلس مطرح شد. برداشتن موانع حقوقی و قانونی حضور نیروهای آمریکایی و تضمین امنیت همه‌جانبه آنان در ایران، برای اهمیت بسزایی داشت. آمریکایی‌ها که راهنمای شاه برای انجام این تحولات بودند، تصمیم جدی داشتند تا رژیم شاه را حفظ کنند و او نیز بقای خود را، در تن دادن به این خواسته‌های دید. در چنین شرایطی واگذاری بعضی امتیازات و ازجمله احیای کاپیتولاسیون باهدف اعطای مصونیت سیاسی و کنسولی به اتیاع آمریکایی در ایران، در دستور کار دولت قرار گرفت. در همین راستا در مذاکرات شاه با دولت آمریکا در مورد دریافت ۲۰۰ میلیون دلار وام برای خرید اسلحه و مهمات، مسئله مصونیت سیاسی مستشاران آمریکایی نیز مطرح شد و شاه درخواست آمریکا را پذیرفت.(۷)

بدین ترتیب پیشنهاد تصویب کاپیتولاسیون، ابتدا در اسفند۱۳۴۲ از سوی سفارت آمریکا به دولت ایمنی داده شد اما او که به تیبات چنین امتیازی واقف بود، آن را مسکوت گذاشت. این پیشنهاد در کابینه بعدی به ریاست امیر اسدالله علم پیگیری شد و در ۱۳مهر ۱۳۴۲ در جلسه وزیران و در مرداد ۱۳۴۳ در مجلس سنایه تصویب رسید و سپس در دوران تصدی حسنعلی منصور، در ۲۰مهر ۱۳۴۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.(۸)

**روابط منصور با آمریکا و نقش وی در تصویب کاپیتولاسیون**

حسنعلی منصور سیاستمداری بود که مانند پدرش «منصورالملک»، پرورش یافته انگلیسی‌ها بود.(۹) او مؤسس «کانون مترقی» در اوایل ۱۳۴۰ و سپس با وی تبدیل ایسن کانون به «حزب ایران نوین» در ۱۳۴۲ بود.(۱۰) شروع روابط منصور با آمریکا، به دوران حضور وی در وزارت امور خارجه کشور در سال‌های دهه ۲۰مربوط می‌شود. وی در این دوران سفرهای متعددی به فرانسه و آلمان داشت و در همین سفرها بود که مقدمات برقراری ارتباط جدی وی با آمریکا فراهم شد. در یکی از سفرهای کاری به آلمان، وی توانست ملاقات‌هایی با جان مک کلوئی، رئیس حکومت اشغالی این کشور که از سیاستمداران پر قدرت آمریکا در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شد، انجام دهد. در اثانی این ملاقات‌ها بود که مک کلوئی، سیاست و خط‌مشی مشخص آمریکا در قبال ایران را به حسنعلی منصور گوشزد کرد و با قوال اینکه مقدمات قدرت‌گیری وی را فراهم می‌کند شرح وظایف او را نیز در قبال برنامه‌های

امریکا مشخص کرد. منصور نهایت استفاده را از روابط شکل گرفته با آمریکا به دست آورد و همین دوستی و خدمت‌رسانی به آمریکا در ایران، این رابطه را جدی کرد. روابط صمیمانه وی با آمریکایی‌ها به حدی بود که مثلاً «گراتیان باتسویج» نماینده سازمان «سیا» در تهران، مستاجر منزل منصور بود و در تصمیم‌سازی برای وی نقش بسزایی داشت.(۱۱) وی قبل از نخست‌وزیری حسنعلی منصور گفته بود: «منصور را من به نخست‌وزیری خواهم رساند، همانطور که علی امینی را من نخست‌وزیر کردم.»(۱۲)

همزمان با روی کار آمدن دولت منصور، آمریکا بازی خود را برای تصویب هر چه سریع‌تر کاپیتولاسیون آغاز کرد. شاه هم اختیار کامل به منصور داد تا بتواند مجلس را متقاعد سازد. براساس اسناد موجود، منصور در دفاعیات خود از کاپیتولاسیون در مجلس، به‌قدری تردیدی نداد،د، اما نخست‌وزیر به هر روی این لایحه‌با اکثریتی ضعیف، در خصوص محتویات لایحه دروغ گفت که سفارت آمریکانیز گمان می‌کرد تصور منصور از لایحه، همان چیزی است که به نمایندگان می‌گوید. این نگرانی به‌صورت رسمی به کابینه منصور گوشزد شد و شخص ناصر بیگانه که در آن زمان به‌عنوان مشاور منصور فعالیت می‌کرد، در پاسخ به نگرانی‌های سفارت گفت: «دولت در مورد شمول و مفاد لایحه هیچ شک و تردیدی ندارد، اما نخست‌وزیر به سیاسی، لازم دانست که در بیانات خود چنین وانمود کند که شمول لایحه محدود است.»(۱۳)

به‌طور کلی در تصویب لایحه کاپیتولاسیون، آخینات همزمان دیده می‌شود یکی اصرار و فشار آمریکایی‌ها با بازیگری حسنعلی منصور، برای تصویب این لایحه و دیگری بی‌اختیار بودن نمایندگان منتسب به ملت در مجلس و نبود جسارت لازم در آنان برای جلوگیری از تصویب لایحه. به هر روی این لایحه‌با اکثریتی ضعیف، یعنی با ۲۴ رأی موافق و ۱۶ رأی مخالف، از ۱۳۶ رأی مأخوذه تصویب شد.(۱۴) جالب توجه اینکه «حزب» و رجال سیاسی که برخی از اینها خود را مدافع ملت



**اروز پس از تصویب لایحه مصونیت قضایی مستشاران آمریکا، حسنعلی منصور موفق شد با ضمانت دولت آمریکا، از بانکی آمریکایی ۲۰۰ میلیون دلار (با باز پرداخت ۳۰۰ میلیون دلار) وام بگیرد تا صرف خرید سلاح از آن کشور شود؛ محافل سیاسی ایران به‌خاطر تصویب لایحه تلغی کردند**

**اروز پس از تصویب لایحه مصونیت قضایی مستشاران آمریکا، حسنعلی منصور موفق شد با ضمانت دولت آمریکا، از بانکی آمریکایی ۲۰۰ میلیون دلار (با باز پرداخت ۳۰۰ میلیون دلار) وام بگیرد تا صرف خرید سلاح از آن کشور شود؛ محافل سیاسی ایران به‌خاطر تصویب لایحه تلغی کردند اما این مصوبه نه‌تنها باعث بدنامی حسنعلی منصور شد، بلکه زمینه ترور و مرگ وی را نیز فراهم ساخت. او ۱۰۰روز پس از تصویب کاپیتولاسیون، در برابر مجلس به هلاکت رسید**

فروردین ۱۳۴۳،امام خمینی(ره) در حلقه علایق‌مندان، در حال ورود به حرم حضرت معصومه(س)

تاریخ شفاهی

## روز آزادی زن



کتاب «روز آزادی زن» تاریخ شفاهی قیام ۱۷ دی زنان مشهد به قلم سمیه ذوقی درباره نخستین راهپیمایی و تظاهرات زنان در جریان انقلاب اسلامی و قیام ۱۷دی ۱۳۵۶ در مشهد است. این کتاب در ۸ فصل با عناوین «راهی از بسند»، «قیام علیه طاغوت»، «کوچه‌های بن‌یست»، «زندان زنان»، «تلاش برای آزادی»، «پژواک صدای زنان» و «ضمانت» و «اسناد و تصاویر» روایت شده است. این کتاب به بحث زنان و وضعیت‌شان در دوران ستمشاهی می‌پردازد و علل و نتیجه راهپیمایی زنان در آن دوره را بررسی می‌کند.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «هر سال هفدهم دی، میدان مجسمه مشهد شاهد جشن کشف حجاب بود؛ زنان و مردان موافق این سیاست در این روز به‌منظور تجلیل از اقدام رضاخان، گرد هم می‌آمدند و دسته‌گل‌هایی به پای مجسمه او می‌ریختند؛ ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ شمسی هم مثل هر سال، همه چیز برای تجلیل از رضاخان آماده بود و زمستان سرد و ساکت شهر، خیال رژیم را از هر مزاحمی آسوده کرده بود، غافل از آنکه بانوان باحجاب مشهدی در این روز آماده و برافروختن شعله تظاهراتی بودند تا آزادی کامل مردان و زنان ایران از استبداد پهلوی فرو نشتست.» کار تحقیق و تدوین کتاب «روز آزادی زن» توسط ملیحه بخشی‌نژاد، سمیه ذوقی و ندا ترک‌منجه انجام شده و به قلم سمیه ذوقی نگارش یافته است.

این کتاب ۱۸۴ صفحه‌ای در بخش تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی تهیه و از نسوی انتشارات راه‌یار چاپ و منتشر شده است.

تاریخ پایداری

## شرح درد اشتیاق



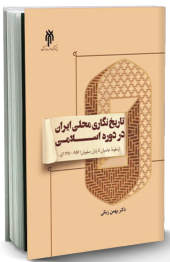
کتاب «شرح درد اشتیاق» خاطرات دکتر محمد رضا ظفرقندی از پزشکان فعال در دوران دفاع‌مقدس به قلم رامحله صبوری، از نسوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است. در این کتاب خاطرات یک پزشک تیم اضطراری جنگ شده

شده ضمن اینکه به فرآزهای دیگری از زندگی وی نیز از زبان خودش، اسناد و خاطرات مشترک دوستانش پرداخته شده است. دکتر ظفرقندی در طول سال‌ها فعالیت حرفه‌ای خود به‌عنوان معلم، پزشکی تیم اضطراری جنگ، استاد و مدیر گروه جراحی دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران و رئیس سازمان نظام پزشکی کشور و بسیاری مشاغل مرتبط با حوزه پزشکی فعالیت کرده‌است.

خاطرات این پزشک ایرانی برای تدوین کتاب «شرح درد اشتیاق» به روش معمول خاطر‌نگاری در تاریخ شفاهی طی ۳۰ ساعت مصاحبه جمع‌آوری و ضبط شده‌است و پس از پیداسازی و تدوین اولیه و جمع‌آوری اسناد حدود ۴سال آماده‌سازی کتاب برده‌است. بخشی از مصاحبه‌های کتاب نیز در دوران کروناوی و پس از ابتلای دکتر ظفرقندی جمع شده‌اند. از نگاه نویسنده کتاب جمع‌آوری خاطرات پزشکان تیم اضطراری جنگ که دکتر ظفرقندی نیز یکی از آن افراد بوده، به این لحاظ اهمیت دارد که این گروه تیمی حرفه‌ای و آموزش‌دیده با تخصص‌های مختلف پزشکی بودند که از سراسر کشور داوطلب اعزام به خط مقدم می‌شدند.

تاریخ اسلام

### تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی



کتاب «تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی؛ از سقوط عباسیان تا پایان صفویان (۱۱۳۵ – ۶۵۶ق)» به قلمش بهمن زینلی از سوی انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ و منتشر شده است. تاریخ‌نگاری محلی یکی از شاخه‌های مهم و تأثیرگذار در حوزه کلان تاریخ‌نگاری ایران در دوره اسلامی است. سنت تاریخ‌نگاری ایرانی دارای میراث فراوان و تجربه ارزشمنندی از آثار پدیدآمده در حوزه تاریخ‌های محلی است که توسعه و تداوم تدوین این آثار در طول تاریخ پس از اسلام کارنامه درخوری از خود نشان داده و هر چه به سمت تاریخ معاصر پیش می‌رود، عرصه‌ها و مضمون‌های جدیدی را دربرمی‌گیرد. مضمون‌هایی که با توجه به توسعه نظام‌های اداری و رونق امور شتی، سحلی، اسنادی و آماری، زمینه به‌کارگیری عناصر جدیدی مشتمل بر آثار و اسناد در تدوین تاریخ‌نگاری محلی را فراهم می‌کند. وجود گنجینه ارزشمنندی از متون تاریخ‌های محلی، شکل‌گیری نظام‌های اداری، اجتماعی و اقتصادی جدید و گسترش شهرنشینی نوین باعث توجه ویژه محققان و این کتاب به این حوزه شده است. کتاب «تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی» در راستای همین ضرورت، به نقد و بررسی تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی در میانه سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸قمری می‌پردازد. تدوین تاریخ جامع و دقیق این دوره از تاریخ ایران، نیازمند آگاهی کامل از محتوای همه منابع تاریخی از جمله تاریخ‌های محلی نوشته‌شده در این زمان است. در این پژوهش کوشش شد تا افزون بر معرفی تاریخ‌های محلی ایران که در این‌زمین بازه زمانی تدوین شده‌اند، به انواع تاریخ‌های محلی در این دوره هم پرداخته شود.